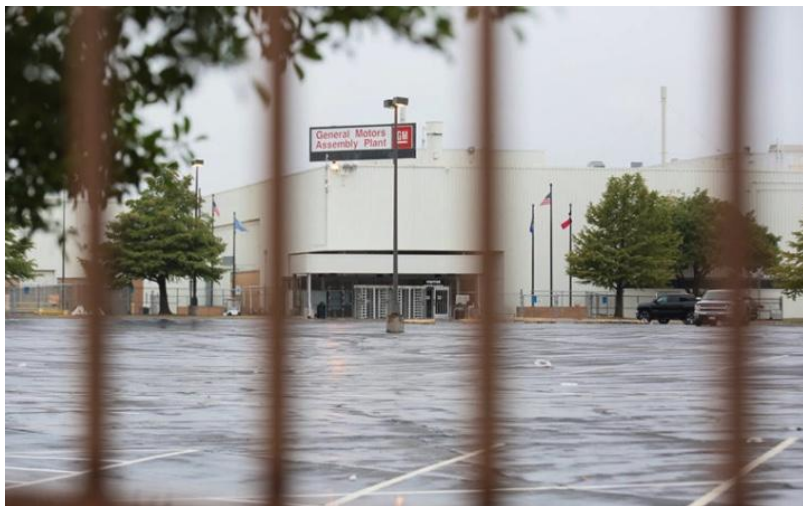


## اعتصاب کارگران خودرو سازی امریکا جهشی در مقابل قدرت سرمایه

<http://www.kanoonm.com/3339>



شهناز نیکو روان

اعتصاب بزرگ کارگران جنرال موتورز از روز ۱۶ سپتامبر (۲۵ شهریور) آغاز شده و همچنان ادامه دارد. کارگران ۳۳ کارخانه، تولید را در ۹ ایالت آمریکا و همچنین ۲۲ انبار بزرگ توزیع قطعات تعطیل کردند.

روز یکشنبه ۱۵ مهر ماه در اطلاعیه مطبوعاتی اتحادیه خودرو سازی امریکا که بر روی سایت اتحادیه خودروسازی آمده، چنین نوشته شده است: بعد از دو روز مذاکره با مدیریت نه تنها با هیچ یک از خواسته های ما مبنی بر یک سان شدن دستمزدهای کارگران موقت و رسمی، امنیت شغلی، سهم شدن در سود و دیگر خواسته ها موافقت نشد بلکه مدیریت پیشنهاد قبلی اش را تکرار کرد. پس ما چاره ای نداریم جز این که اعتصاب را ادامه دهیم. این احتمال وجود دارد که اعتصاب به درگیری های فیزیکی نیز منجر شود.

این اعتصاب در جایی رخ داده که سالهاست هیچ تشکل کارگری مستقلی در آن امکان فعالیت نداشته است و برای مقابله و کنترل اعتراضات کارگری، معمولا کارکنان و مدیران جنرال موتورز از سوی ارتش تعیین می شده اند. این مساله سابقه ای طولانی دارد و به دهه بیست و سی میلادی برمی گردد. مدیران این شرکت در سال ۱۹۲۱ با اجرایی شدن "قانون ضد سرخ" جاسوسی در بین کارگران را باب کردند و توانستند کنترل تشکلهای کارگری را به دست گیرد؛ نهادهای مانند شرکت کارآگاهی بورن و شرکت کارآگاهی تایل را راه اندازی کرد و بدین ترتیب با کمک این نهادها در از بین بردن سندیکاها بسیار حرفه ای عمل کردند. زمانی نیز جنرال موتورز در دهه سی میلادی با ساخت ماشین آلات ارتشی برای آلمان، در کنار نازیها قرار داشت و کمک بسیاری به تقویت زیرساختهای نظامی

نازی ها و آمادگی آنان برای جنگ افروزی در سراسر جهان داشت. نمونه تازه تر این گونه سیاستها در یک سال گذشته دستگیری رهبران اتحادیه های رسمی کارگری به جرم اختلاس و سوءاستفاده از شرکت جنرال موتورز و سندیکا بوده است. اتفاقا کسی که نمایندگان فاسد سندیکا را به اف بی آی معرفی می کند، خود معاون سابق اتحادیه خودروسازی بوده که به مدیریت پیوسته بوده است. سوءاستفاه از قدرت و موقعیت در اتحادیه و دادن وگرفتن رشوه و هدیه .

در مقایسه با اعتصاب گسترده میشیگان در سال 1998 و اعتصاب دو روزه ۷۶ هزار کارگر در سال 2007 میلادی (۱۳۸۶ش) اعتصاب این دوره را باید برگ زرینی در جنبش کارگری امریکا در بخش صنعتی دانست.<sup>1</sup> سرمایه داری به مخیله اش خطور نمی کرد که اعتصاب تا به اینجا ادامه یابد. اعتصاب حدود ۴۹ هزار کارگر در ۳۰ کارخانه واقع در ۹ ایالت فقط در ۱۵ روز اول اعتصاب یک میلیارد دلار به شرکت جنرال موتورز ضرر وارد کرده است و هر روز ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون دلار به این ضرر افزوده می شود. دامنه این اعتصاب به کانادا رسیده و در ۲۹ شهریور ۲۰۰۰ کارگران موتور سازی جنرال موتورز در اوشاوا در کانادا، ۷۰۰ کارگر موتور سازی در شهر سن کترین کانادا موقتا بیکار شده اند. احتمالا ۵۷۰۰ کارگر در ایالت انتاریو کانادا نیز کارشان را موقتا از دست می دهند و ده هزار کارگر جنرال موتورز نیز موقتا در مکزیک بیکار شده اند. مدیریت جنرال موتورز معتقد است یا کارگران باید زیر بار تبعات اعتصاب و بدهی کمر خم کنند (چون حق اعتصاب ۲۵۰ دلار در هفته نمی تواند جوابگویی زندگی کارگران باشد)، یا اینکه مدیریت حاضر است حتی کارخانه ماشین سازی بسته شود.

هر کسی آشنایی کوچکی با صنعت خودرو سازی داشته باشد می داند که تعداد کارگران شاغل در شرکت خودرو سازی شاید کمتر از ۵ درصد نیروی کار اصلی وابسته به صنعت باشند، چرا که تولید یک ماشین از زمان ریختگری تا رنگ شدن بیشتر از سی و پنج دقیقه طول نمی کشد، ولی این رشته شامل ده ها هزار کارگر قطعه ساز است، کارگرانی که زندگی شان به این رشته وابسته هستند، ولی آینده ای ندارند.

در صنعت خودرو سازی شش کشور اصلی تولید کننده خودرو در جهان، یعنی چین، فرانسه، آلمان، هند، کره و امریکا (البته امریکا و کانادا به نوعی به هم وابسته هستند) سه غول ماشین سازی قدرت و جایگاه ویژه ای دارند. در امریکا یا کانادا معمولا طرف اصلی قراردادها سه شرکت کرایسلفریات، جنرال موتورز و فورد هستند. طبق سنت تاریخی اتحادیه های کارگری امریکا و کانادا یک شرکت را برای مذاکره انتخاب می کنند و هر گونه نتیجه این انتخاب بر دو ماشین سازی دیگری تاثیر می گذارد.<sup>2</sup>

علت مذاکره این دوره اتحادیه ماشین سازی امریکا با شرکت جنرال موتورز در چند موضوع نهفته است:

1- جنرال موتورز در سال 2009 (۱۳۸۸) یعنی بحران اقتصاد جهانی که عملا در حال ورشکستگی بود و اگر دولت حمایت نمی کرد از بین

رفته بود بسیاری از واحدهای کارخانه به مناطقی مثل مکزیک و... که نیروی کار بسیار ارزان داشت منتقل شده یا در حال انتقال بود؛ کارگران قبول کردند بسیاری از مزایای و دستمزدهای خود را از دست بدهند تا کارخانه به سرگرایش برگردد.

2- دستمزد دو گانه باید از بین برود<sup>5</sup>، بعد از بحران اقتصادی 2007

(۱۳۸۶) اتحادیه قبول می کرد که نیروهای جدید ۱۵,۷۸ دستمزد در ساعت دریافت کنند و با گذشت یک دهه دستمزد این کارگران به ۱۹,۲۸ رسیده است؛ نیروهای استخدام شده بعد از ۱۳۸۶ امروز بخش قابل توجه ای از کارگران را تشکیل می دهند. بین سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۷ خودروسازی بیش از ۴۰ درصد افزایش سود و بهره وری داشته است.<sup>3</sup> دستمزد سالیانه مدیر اصلی جنرال موتورز ۲۲ میلیون دلار است، این در حالی است که حقوق کارگران موقت همان ۱۵ تا ۱۹ دلار در ساعت است و کارگر دایم بین ۲۸ تا ۳۳ دلار در ساعت است که با یک حساب سرانگشتی بالاترین دستمزد یک کارگر حدود ۶۵ هزار دلار در سال است.

3- در چند سال گذشته شرکت ۱۵ هزار کارگر را به خاطر نبود بازدهی اخراج کرده است.<sup>4</sup>

4- جنرال موتورز بسیاری از کارخانه های خود را بسته و به مکزیک و برزیل منتقل کرده است. شرکت در ماه نوامبر (2018) هنگامی که اعلام کرد قصد دارد تا پنج کارخانه در آمریکا و کانادا را ببندد و بیش از 6000 شغل در آمریکا را قطع کند ، دچار یک آشفتگی شد. یکی از آن کارخانه ها کارخانه Lordstown بود. این خبر هولناکی برای 1400 کارگر که از این زمان اخراج شده اند (فقط چند صد نفر از آنها انتقال به کارخانه های دیگر را پذیرفته اند).

5- شرکت شش ماه آخر سال گذشته ۱۷,۵ میلیارد دلار سود داشته است. جنرال موتورز یکی از پرسودترین تولید کنندگان کامیون ها و خودروهای SUV در آمریکا است.

از فردای شروع اعتصاب، جنرال موتورز برای کارخانه های ارلینگتون، تگزاس، ونت زویلا و میسوری اقدام به انتشار آگهی استخدام با حقوق ساعتی ۱۲ دلار کرد. کارگران اعتصابی برای مقابله با اعتصاب شکنان، با فرستادن پیام های تلفنی از طریق اتحادیه دست به کار شدند. در این شرایط بود که کارگران به جای اعتصاب در بیرون محیط کار به تحصن در محیط کار روی آوردند. دونالد ترامپ در واکنش به تعطیلی کارخانه های جنرال موتورز تهدید کرد که به تلافی چنین اقدامی، اعتبار مالیاتی فدرال برای این شرکت خودروسازی برای تولید خودروهای برقی را قطع می کند؛ اما این تهدید برای پایان دادن به اعتصاب نتوانست این کار را پیش ببرد. این در شرایطی بود که شرکت حق بیمه کارگران را روز بعد از اعتصاب قطع کرد. شرکت اعلام کرد که پیش از این سالانه ۱ میلیارد دلار، صرف بیمه درمانی کارگران ساعتی می شد که هزینه ماهانه هر کارگر نیز یک هزار و ۷۰۰ تا دو هزار دلار بود. اتحادیه کارکنان خودرو نیز اعلام کردند که این صندوق تنها برخی داروها و نسخه ها را تحت پوشش قرار می دهد و شامل مزایای دندان، چشم و گوش پزشکی نیست.

با ورود اعتصاب جنرال موتورز به هفته چهارم خود، مقامات شرکت و مذاکره کنندگان اتحادیه هنوز در مورد دستمزدها، مزایای بازنشستگی و سرنوشت یک کارخانه غیرفعال در لردستاون اوهایو می‌جنگند؛ کارخانه ای که زمانی Chevy Cruze را تولید می‌کرد. تقریباً 50 هزار کارگر هنوز در اعتصاب هستند و در خارج از کارخانه های جنرال موتورز در سراسر ایالات متحده در اعتصاب شرکت می‌کنند. در حالی که هر دو طرف در طی مذاکرات قرارداد پیشرفت‌هایی داشته‌اند - اما رهبران اتحادیه می‌گویند حق بیمه سلامت کارکنان بالا نمی‌رود اما آنها مسیری را برای کارگران موقت کار ایجاد کرده‌اند تا بتوانند مشاغل دائم را بگیرند. در آخر هفته گذشته در سراسر امریکا، مساله چانه زنی برای پرداخت حقوق و امنیت شغلی بسیار داغ و عمومی شد.

به گزارش بلومبرگ، طی مذاکرات اخیر، جنرال موتورز قول داده است باتری‌های اتومبیل برقی را در کارخانه ای در نزدیکی کارخانه لردستاون بسازد. همچنین توافق شده است که در ماه ژانویه یک کامیون برقی در کارخانه دیترویت ساخته شود. اتحادیه چیزی بیش از کارخانه باتری در اوهایو می‌خواهد، زیرا تنها چند صد نفر را با دستمزد پایین‌تر در چنین کارخانه ای استخدام خواهند شد.

اتحادیه یو.ای.دبلیو (UAW) می‌خواهد جنرال موتورز ماشین جدیدی را در لردستاون بسازد، حتی اگر این به معنای جابجایی مونتاژ خودروهای شورولت کینوکس، بلیزر و کامیون های اس.یو.وی SUV<sup>6</sup> از کارخانه ای در مکزیک باشد. در حال حاضر، جنرال موتورز دستمزد بسیار اندکی را در مکزیک برای ساخت خودروها به کارگران پرداخت می‌کند - بنابراین به نظر نمی‌رسد که هیچ یک از طرفین از نظر مالی برای توافق آماده باشند.

این اعتصاب تأثیر زیادی در خط اصلی شرکت دارد. این تولید در 33 کارخانه جنرال موتورز متوقف شده و تولید را برای تولید کنندگان قطعات خودرو در ایالات متحده و مکزیک کند کرده است. هزاران کارگر کارخانه غیراتحادیه ای در مکزیک و ایالات متحده به طور موقت برکنار شده‌اند.

در همین حال، فروشندگان خودرو در تلاشند تا قطعات جایگزینی را برای تعمیر وسایل نقلیه به دست آورند و مشتریان را مجبور می‌کنند هفته ها منتظر خدمات باشند. این هزینه ها برای جنرال موتورز در نقاط مختلف، از 50 تا 100 میلیون دلار در روز تخمین زده می‌شود.

جنرال موتورز روزانه بیش از 90 میلیون دلار زیان می‌کند و بی شک اگر اعتصاب ادامه یابد قادر به کنترل زیان نخواهد بود. از سوی دیگر کارگران تحت فشار مالی زیادی هستند. موسسه AEG محاسبه می‌کند که کارگران و تأمین کنندگان قطعات جنرال موتورز تا یکشنبه پیش، 412 میلیون دلار دستمزد از دست داده‌اند. کارگران جنرال موتورز اکنون تنها 250 دلار در هفته حق اعتصاب دریافت می‌کنند. با این وجود

کارگران مصمم اند اعتصاب را ادامه دهند. یکی از کارگران اعتصابی نوشته است:

"من می‌دانم که این مبلغ هنگفتی نیست (250 دلار حق اعتصاب) ، اما این مبلغ حداقل مکانی برای زندگی ما فراهم کرده است اگر ما اعتصاب را پایان دهیم ، خانه مان را از دست خواهیم داد. اعتصاب سبب شده که در طی یک ماه گذشته پس انداز ما تمام شده است. در مقابل خیلی‌ها من احساس می‌کنم خوش شانس هستم!"

نتیجه مذاکرات می‌تواند بسیار فراتر از کارخانه های جنرال موتورز باشد. این قرارداد پایه و اساس مذاکرات اتحادیه های آینده با فورد و فیات کرایسلر را نیز تشکیل می‌دهد. آنچه کارگران از این معامله به دست خواهند آورد نشان از قدرت چانه زنی کارگران ایالات متحده در دوران جهانی سازی دارد.

اعتصاب امروز در جنرال موتورز، اعتصابات فلنت در دهه 1930 را به یاد می‌آورد: رویارویی یک شرکت تشنه سود و نیروی کار بیزار و حتا تمایل کارگران برای انجام اقدامات شبه نظامی برای دفاع از حقوق خود. اتحادیه یو.ای.دبلیو جنرال موتورز تاریخ طولانی از مبارزات کارگری را در تاریخ خود دارد. اگرچه شرایط امروز از نظر اصولی با آن زمان متفاوت است، اما مصاحبه های منتشر شده ی کارگران به ستوه آمده نشان می‌دهد که روح اصلی مبارزه تا به امروز باقی مانده است.

در سال 1936 ، کارگران کارخانه های جنرال موتورز در فلنت میشیگان در شرایط بسیار نامناسبی کار می‌کردند و مجبور بودند سرعت کار را مرتبا بالا ببرند. جسم و روح آنها در این پروسه پرسرعت تولید تلف می‌شد. گفته های همسر یک کارگر جنرال موتورز در جرمی برچر به خوبی این مساله را نشان می‌دهد. او در مورد همسرش چنین گفت: "شما باید او را شب هنگام ببینید که به خانه می‌آید؛ او و بقیه آقایان در اتوبوسها ، خیلی خسته و مانند مرده هستند." همسریکی دیگر از کارگران می‌گفت: "او سی ساله بود اما به نظر می‌رسید که پنجاه سال دارد، چون کار او فرساینده ست."

در آن زمان هر کارگر به طورمتوسط سالانه تقریبا 900 دلار دستمزد دریافت می‌کرد، حدود نیمی از حداقلی که دولت فدرال برای تأمین خانواده چهار نفره در آن سال تعیین کرده بود. جنرال موتورز به جای پرداخت دستمزد کافی به کارگران خود ، پول را صرف پرداخت حقوق به کارآگاهانی می‌کرد که برای جاسوسی از کارگران و سازمان دهندگان اتحادیه استخدام کرده بود. این شرکت همچنین از لژیون بلک - یک گروه شبه نظامی جناح راست که ککولوس کلان های شکسته خورده (نژادپرستانی که برخوردهای خشونت باری با سیاه پوستان داشتند) را به عنوان نیروی نظامی به کار می‌گرفت و دشمنان آنها را یهودیان، کاتولیک ها، سیاهپوستان و اتحادیه های کارگری معرفی می‌کرد - این کار را با هدف ارباب کارگران زحمتکش در کارخانه انجام می‌داد. (مدیران جنرال موتورز با دست در دست هم داشتند و از شیوه های فاشیستی استفاده می‌کردند: در سال 1935 ، وسیله نقلیه نظامی رایش سوم را تأمین کردند.)

اتحادیه یو.ای.دبلیوی تازه تاسیس شده ، به نارضایتی‌ها در فلنت توجه و از فرصت استفاده و شروع به سازماندهی کارگران در اتحادیه کرد. پس

از انتشار خبر اعتصابات پیروزمندانه در کارخانجات لاستیکی در آکرون ، اوهایو ، توقف کوچکی در کارخانجات فلنت آغاز شد. کارگران در اواخر سال 1936 در کارخانه شماره 1 فیشر با ترک یک ساعت زودتر محل کار، هفت بار در یک هفته اقدام به اعتراض کردند. در ماه نوامبر ، مدیریت دو برادر(پسران پرکینز) را اخراج کرد و انتظار داشت که دیگران با اخراج این دو نفر اعتصاب را بشکنند.

وقتی کارگران برای تغییر شیفت به کارخانه رسیدند، جمله "پسران پرکینز اخراج شدند! هیچ کس شروع به کار نمی کند!" دهان به دهان و گوش به گوش منتقل می شد. هنگامی که سرپرست سوت شروع کار را کشید و ماشین آلات شروع به کار کردند ، کارگران همچنان ایستاده بودند. هنگامی که مدیریت تلاش کرد تا کارگران را وادار به کار کند، ضرب و شتم در کف کارخانه فوراً کرد.

سرانجام مدیران از طریق رادیو محلی خواستار بازگشت پسران پرکینز شدند. آنها دوباره استخدام شدند. بود سیمونز، یکی از رهبران اتحادیه در کارخانه به دیگران گفت ، "رفقا ، شما دیدید که با یکی شدن چه می توانید بدست آورید!" در پی این پیروزی ، طی دو هفته تعداد اعضای اتحادیه فلنت از 150 به 1500 عضو افزایش یافت، یعنی ده برابر شد.

پس از آن اتحادیه با قاطعیت ، خواستار یک روند چانه زنی جمعی با جنرال موتورز شد. اما رسیدن به این خواسته زمان می برد. به نوبه خود ، کارگران از تحت فشار قرار گرفتن خسته شده بودند و از چشم انداز پیروزی‌های واقعی از طریق اعتصاب الهام گرفتند. در ماه دسامبر ، در کارخانه شماره 2 فیشر فلنت، مدیریت به سه کارگر دستور داد تا از اتحادیه خارج شوند. پنجاه کارگر در اعتراض به مدیریت، کار خود را متوقف کردند.

در همان روز ، در کارخانه شماره 1 فیشر، کارگران دریافتند که برای محروم کردن آنها از کار و دستمزد، مواد اولیه زیادی به کارخانه های دیگر در سایر شهرها در حال حمل است. در آن روز، کارگران هر دو کارخانه در جلسه ناهار اتحادیه حاضر شدند. وقتی یکی از برگزارکنندگان جلسه از آنها سؤال کرد که چه می خواهند، این پاسخ جمعی را شنید: "کارخانه را تعطیل کن!"

بسیاری از کارگران هم در کف کارخانه و هم در اتحادیه ، دارای آگاهی طبقاتی و تندرو بودند. آنها در تبدیل اعتصاب فلنت از مجموعه اقدامات اعتراضی کوچک به اعتصابی بزرگ، هماهنگ و مستمر نقش اساسی داشتند. در مقالات نشریات روز، کمونیست ها به عنوان کسانی معرفی می شدند که برای اولین بار ایده اعتصاب را به کارگران در کف کارخانه فلنت معرفی کرده اند، به عنوان مثال می توان به نظرات باری آیدلین و میکا میتریک در مقاله "ایالات متحده، احیای اتحادیه و فقدان" اقلیت شبه نظامی" اشاره کرد. والتر لیندر نیز در مقاله ای تاکتیک تحسن را بسیار انقلابی توصیف کرده بود:

"در تحسن روحیه کارگران بالا رفته است. آنها درون کارخانه هستند و بنابراین به طور مشخص می دانند که با خراب کردن دستگاه‌ها نمی توانند به کار ادامه دهند. آنها واقعاً از مشاغل خود محافظت می کنند و این به درجه بالاتر همبستگی و ستیزه جویی منجر می شود. صبر، محافظ این مردان است. آنها هرگز پراکنده نیستند، همیشه در صورت بروز مشکل در هر لحظه می توانید آنها را فرابخوانید. خصلت دموکراتیک اساسی تحسن با این واقعیت تضمین می شود که این کارگران خط تولید هستند

که به جای مقامات بیرون از محیط کار، مسیر اعتصاب را تعیین می کنند.

ایدلین و اترریچ تأکید کردند: "کارگران به مثابه شبه نظامیان در کارخانه مستقر بودند و برای درگیری فیزیکی برای اشغال کارخانه متمرکز بودند، از مبارزه با پلیس در خیابان ها گرفته تا اشغال ساختمان های کلیدی در لحظه های کلیدی تا سازماندهی تدارکات پشتیبانی اعتصاب؛ آنها بسیار سازمان یافته بودند. "

همانطور که برشر می نویسد:

"گروه های اجتماعی پانزده نفری ، معمولاً مردانی (کارگران) که در کارخانه با هم کار می کردند ، خانه ای را بنا می کردند و در گوشه ای از کارخانه خود زندگی می کردند. هر گروه، مباشر یا ناظر خود را داشتند و مباشرها هرازگاهی با هم ملاقات می کردند. اقدامات واقعی برای اعتصاب توسط کمیته های مربوط به غذا ، تفریح ، اطلاع رسانی ، آموزش ، خدمات پستی ، بهداشتی ، شکایت ، کنترل شایعه ، هماهنگی با بیرون و موارد مشابه انجام می گرفت. هر کارگر حداقل در یک کمیته خدمت می کرد.

کارگران در هنگام اعتصاب سخت کار کردند اما نه فقط برای جنرال موتورز. آنها سیستم های پیچیده ای را تنظیم کردند تا مطمئن شوند که همه به اندازه کافی تغذیه می شوند و کارخانه های اشغالی تمیز و راحت هستند. آنها "بنوجو" می زدند (نوعی آلت موسیقی) و جلساتی برگزار کردند که با اجرای سرود کارگری "همبستگی برای همیشه" شروع و پایان می یافت. آنها غذای آماده شده توسط داوطلبان را در خارج از کارخانه (تلاشی که سوسیالیست ها نقش بزرگی در آن داشتند) می خوردند. آنها قوانینی داشتند، مثل دوش گرفتن روزانه و ارائه مدارک معتبر برای کار در کارخانه ها. عدم رعایت مقررات توسط اعتصاب کننده در دوران اعتصاب ، باعث می شد که فرد خاطی به دادگاه "کانگورو" (اصطلاح دادگاه غیر رسمی که توسط کمیته اعتصاب برگزار می شد) سپرده شود ، جایی که ممکن است وی محکوم به تمیز کردن کف حمام یا برای نقض جدی ترمقررات حتی از کارخانه اخراج شود. سازمان پیشرفته آنها، به آنها اجازه می داد تا زمانی که برای پیروزی لازم بود ، در محل خود بمانند.

اما شرکت نیز بیکار ننشسته بود. جنرال موتورز از پلیس درخواست کمک کرد که با نیروی قابل توجهی پاسخ داد. آنها در 11 ژانویه با اسلحه و گاز اشک آور به کارخانه شماره 2 فیشر رسیدند. آنها گاز اشک آور را به داخل سنگر (موانع ایجاد شده) کارخانه پرتاب کردند و به هر چیز متحرکی گلوله شلیک می کردند ، پلیسها چشمهایشان را بر همه چیز بسته بودند، بر همه چیز.

اعتصاب کنندگان اشغالگر هم، مبارز و باهوش بودند: آنها پنجره ها را با ورق های فلزی پوشانده و سوراخ هایی را در آنها ایجاد کرده بودند که از طریق آن ، سرلوله آب (شیلنگ های) آتش نشانی را عبور داده بودند. آنها شش ساعت در مقابل پلیس ایستادند در حالی که چهارده اعتصاب کننده زخمی شدند ، پلیس سرانجام عقب نشینی کرد.

در طی این ایستادگی ، گروهی از زنان برای کمک به اعتصاب کنندگان آمدند. سیصد و پنجاه زن بریگارد اضطرابی زنان را تشکیل داده بودند که با پلیس نبرد می کردند و پنجره ها را می شکستند تا برای مقابله با گاز اشک آور به اعتصاب کنندگان کمک کنند. یکی از بنیانگذاران این تیپ ، جنورا جانسون دونینجر گفت: "ما یک حلقه در اطراف مردان تشکیل

خواهیم داد و اگر پلیس بخواهد شلیک کند ، آنها فقط باید به ما شلیک کنند." جانسون دونینجر فقط بیست و سه سال داشت و قبلاً هفت سال عضو حزب سوسیالیست بود. (دفتر حزب در همان ساختمان قدیمی خاکی مانند دفتریو.ای.دبلیو بود و در طول درگیری، کلاس‌هایی در مورد تاریخ کار برای کارگران برگزار می‌کرد.)

یکی دیگر از زنان حامی در اعتصاب به یاد می‌آورد: "نوع جدیدی از زن در اعتصاب متولد شد. زنانی که دیروز از اتحادیه گرایي وحشت داشتند ، دیگر احساساتی نبودند و نسبت به وظیفه سازماندهی ، سخنرانی حساس بودند، انگار یک شبه ، در نبرد اتحادیه گرایي پیشرو شده اند."

در کتاب تاریخ کوتاه طبقه کارگر ، پل لو بلان ، یک زن عضو بریگارد زنان به یاد می‌آورد که زنانی که درگیر اعتصاب بودند "روز به روز تغییر می‌کردند ... با قد بر افراشته با مردهایی کمی مطمئن تر از خودشان صحبت می‌کردند."

اعتصاب کنندگان خود نیز متحول شدند. برآش خاظر نشان می‌کند یک روانشناس که شاهد اعتصاب بوده است، اظهار داشت که فضای همکاری (جوتعاون) "یک" شخصیت واقعی انقلابی "را ایجاد کرده است." به ویژه ، اعتصاب کنندگان بیشتر به جای "من" از "ما" استفاده می‌کردند . مردانی که هر شب خود را به خانه می‌کشیدند ، اکنون سرزنده ، شاد و مصمم بودند. آنها هدف و احساس پیوند با یکدیگر داشتند ، در مبارزه متحد بودند.

در ماه فوریه جنرال موتورز پلیس بیشتری را برای دفع اعتصاب کنندگان اعزام کرد. اتحادیه تصمیم گرفت که عقب نشینی نکند بلکه برای پیشبرد و تصاحب کارخانه دیگری اقدام کند. آنها نقشه ای را تدوین کردند: آنها شایع کردند که می‌خواهند یک کارخانه را در خیابان ... اشغال کنند و همان طور که پیش بینی می‌کردند یک خبرچین به پلیس هشدار داده بود و پلیس هنگامی فهمید که گول خورده که مرکز دیگری اشغال شده بود.

با توجه به ادامه اعتصاب ، جنرال موتورز برای جلوگیری از دست دادن سود بیشتر، در نهایت تصمیم گرفت با یو.ای.دبلیو به توافق برسد. اما این خواسته های کارگران را برآورده نکرد. وقتی شرایط حل و فصل را گفت، بسیاری از کارگران حاضر به لغو اقدامات اعتصابی خود نشدند. آنها مهارت‌های ارزشمندی را آموخته بودند و زیرساخت‌هایی را ترتیب داده بودند که می‌توانست مانع پیشبرد اهدافشان باشد- و هنگامی که میزان قدرت خود را فهمیدند، قصد نداشتند از آن چشم‌پوشی کنند.

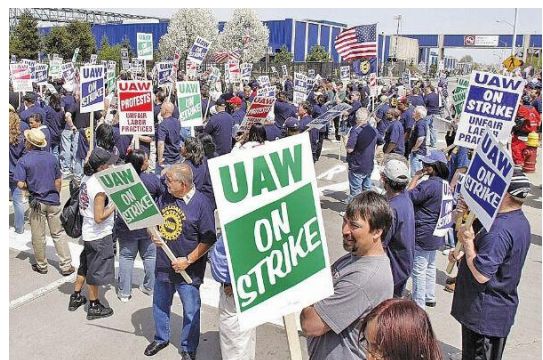
اعتصاب کنندگان دست از کار کشیده فلنت در آن ماه‌ها خواسته های بسیاری را مطرح کردند. به برخی از آنها دست یافتند و در برخی موارد نیز بازنده شدند. خواست اصلی آنها به رسمیت شناختن اتحادیه آنها بود و بر این اساس ، آنها پیروز شده بودند.

در داستان کارگران فلنت، قدرت اعتصاب‌ها دیده می‌شود. از آنجا که سود آن چیزی است که سرمایه داران بیش از همه به آن اهمیت می‌دهند، پس کارگران آن را به گروگان می‌گیرند. اعتصاب موثرترین راه کارگران برای به دست آوردن امتیاز مادی از کارفرمایان است. اما بیش از این ، در صورت خاموش کردن تولید ، کارگران قدرت پنهان خود را کشف می‌کنند. آنها حقیقت "همبستگی برای همیشه" را می‌آموزند: "بدون مغز و عضلات ما هیچ چرخه نمی‌تواند چرخانده شود."



همانطور که روزنامه نگار کارگری، مری هیتون ورس در مورد موج اعتصاب در سال 1936-37 اظهار داشت: "کارگر در مبارزات خود ابداعات، هوش و قدرت بیشتری را در تاریخ طولانی خود نشان داده است. جوامع کامل دگرگون شده اند."

از آن زمان، ماهیت کار و جنبش کارگری هر دو تغییر کرده است. اما بعضی چیزها یکسان باقی مانده است: هنوز هم سود است که کارفرمایان را کورکورانه هدایت می کند و هنوز هم کارگران مبارزات زیادی در پیش رو دارند. روحیه مبارزاتی در شان اعضای یو.ای.دبلیو در اعتصاب علیه مدیران شرکت جنرال موتورز قرار دارد. نتیجه هر چه باشد، اعتصاب یک تجربه منحصر به فرد دگرگون کننده است - و جنس آگاهی طبقاتی را نمی توان به راحتی در بطری جمع کرد. تداوم این اعتصاب به قدری تاثیر گذار بوده که به یک معادله سیاسی در آمریکا تبدیل شده است؛ ترامپ و نمایندگان دموکرات آمریکا که نمی خواهند ترامپ را پیروز انتخابات سال ۲۰۲۰ آمریکا بدانند، بر سر این موضوع با هم رقابت می کنند. آنها رای اعضای اتحادیه خودروسازان را برای پیروزی بسیاری حیاتی می دانند.





(آخرین عکس از اعتصاب، 18 مهر 1398)

زیرنویس :

- 1- کارگران جنرال موتورز، سال ۲۰۰۷ میلادی نیز برای دستیابی به حقوق بازنشستگی و هزینه های سلامت به مدت دو روز اعتصاب کردند. اعتصاب گسترده تری سال ۱۹۹۸ در ایالت میشیگان رخ داد که ۵۴ روز به طول انجامید و خسارتی بالغ بر دو میلیارد دلار برای این شرکت به جا گذاشت.
- 2- در مقاله سنديکا از نوع ديگر که در سايت کانون مدافعان حقوق کارگر منتشر شده است، به تاريخچه جدایی اتحادیه های کارگری ماشین سازی کانادا از امریکا پرداخته شده است و تاریخ در یک گردش سی ساله، اتحادیه های امریکا را به همان مسیری رساند که اتحادیه های کارگری کانادا به همان دلیل از اتحادیه های کارگری امریکا جدا شده بودند.
- 3- تخمین زده می شود سود جنرال موتورز در آمریکا در ازای هر کارگر بین سالهای 2010 و 2018 ، 40 درصد افزایش یافته و در سال گذشته به حدود 94097 رسیده باشد. ولی سود بهره وری و عملیاتی هر کارگر، هر دو بین سال های 2017 و 2018 کاهش یافته اند.
- 4- نوامبر سال گذشته، مدیر عامل جنرال موتورز دستور کاهش 15000 نفر از نیروی کار جنرال موتورز را در آمریکای شمالی داد. این تعدیل نیرو زمانی صورت گرفت که این شرکت میلیاردها دلار برای توسعه فناوری های نسل بعدی هزینه می کند.
- 5- تاریخچه دستمزد دوگانه به سیاست آپارتایدی ، برده داری و استعماری بر می گردد که بعد از انقلابات صنعتی برای کارگران سیاه و خارجی در نظر گرفته می شده است.

6- Equinox ،Blazer و GMC Terrain

منابع :

- <https://www.jacobinmag.com/2019/10/uaw-gm-flint-michigan-strike-militant-minority-united-auto-workers>
  - <https://www.vox.com/identities/2019/10/8/20904488/gm-workers-strike-negotiations-update>
- بیاد آور اولین درگیری جنرال موتورز و اتحادیه کارگران خودرو سازی را - مگن دی

